

بازخوانی خطبه‌ای در مدح مولای متقیان امام علی علیه السلام *

[طیبه حاج باقریان^۱]

می‌خواست قلم نقطه ضعفش بنگارد
بیچاره ندانست علی نقطه ندارد

چکیده

صنعت نقوط، فنی بلاغی است که از نخستین سده‌های ظهور اسلام وجود داشته است. این صنعت برای نخستین بار در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام متجلی شد؛ ایشان بدون یادداشت و فی البداهه، سخنانی بیان فرمودند که در آن فقط از حروف بی نقطه بهره برده‌اند. این صنعت که از مشکل‌ترین و زیباترین صنایع در بلاغت به شمار می‌رود در آثار عرب و فارسی‌زبانان قابل مشاهده است. نوشتار حاضر به معرفی و تصحیح خطبه‌ای بی نقطه در مدح امیرمؤمنان علیه السلام می‌پردازد که توسط علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه (از شاهزادگان قاجاری) ایراد شده است. مؤلف در این خطبه، فضایل و کرامات امام علی علیه السلام را به نظم و نثر بیان کرده و طی آن از دو خطبه بدون نقطه منسوب به امام علیه السلام بهره فراوان برده است. مصحح پس از بازخوانی این خطبه و بیان اشارات به خطبه امام و اقتباس‌های از آن، آیات و روایات را رمزگشایی و در پاورقی توضیحات مربوط به هر کدام را اضافه کرده است.

کلیدواژه‌ها: علی بن ابی‌طالب علیه السلام، خطبه بی نقطه، علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه، صنایع ادبی، نسخه‌های خطی.

* تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۵، تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱.

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، hajbaqeriyani@yahoo.com

مقدمه

علما و نویسندگان گذشته، در تدوین آثار خود بهره فراوانی از فنون بلاغی می بردند. میان ادیبان و سخنوران بلیغ، التزاماتی وجود دارد که گاهی متکلم خود را ملزم به انجام آن می کند تا کلامش از زیبایی و جذابیت خاصی برخوردار شود و همین امر موجب به وجود آمدن صنایع بلاغی تازه ای شده است. در اهمیت صنعت های ادبی، همین بس که این فنون در قرآن کریم فراوان آمده است و پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام در سخنانشان از این صنعت ها - به گونه ای که بتوان سخن را آن چنان بیان کرد که «عوام بفهمند و خواص بپسندند» - استفاده می کردند. شهید مطهری در بیان اهمیت صنعت های ادبی بیان می کند:

یک عامل اساسی برای این که علی علیه السلام در دنیا نمرد این بود که سخنانی در نهایت زیبایی دارد. «نهج البلاغه» واقعاً نهج البلاغه است، دشمن هم دلش می خواهد سخنان علی را ضبط و حفظ کند.^۱

صنعت نقوط

از آن جا که حروف به دو دسته بی نقطه و بانقطه تقسیم می شوند، غالباً ادیبان و سخنوران از هر دو دسته حروف، در کلام خود بهره می برند؛ اما گاهی متکلم، با تفتن و ذوق، در استفاده از حروف منقوط و غیر منقوط، صنایعی چون «موصّل، رقطاع، خیفاء، مصحف و حذف» را به ظهور می رساند تا کلامش از زیبایی و جذابیت خاصی برخوردار شود. گوینده بلیغی که با رعایت چنین فنی، گونه ای تفتن و بازی با حروف را پدید می آورد، باید از قدرت واژگانی و ذوقی سرشار برخوردار باشد تا بتواند کلامی بدون یکی از حروف یا بدون نقطه ادا کند؛ به طوری که کلام، رسایی، شیرینی و صلابت خود را از دست ندهد.

آن چه محقق به نظر می رسد این است که با ظهور اسلام و اعتقاد مسلمانان به

۱. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، ص ۹۴.

کلمه طیبیه «لا اله الا الله»^۱ صنایع بلاغی به اوج خود رسیدند. صنعت نقوط که از مشکل‌ترین و در عین حال زیباترین صنایع نقطه‌ای در بلاغت به شمار می‌رود، کمال قدرت واژگانی و زبانی گوینده را نشان می‌دهد؛ چرا که گوینده برای ایجاد چنین صنعتی نباید از حروف «ب، پ، ت، ث، ج، چ، خ، ذ، ز، ژ، ش، ض، ظ، غ، ف، ق، ن» در کلامش استفاده کند. این عمل، بسیاری از کلمات با معنی را از نظام واژگانی زبان خارج می‌کند و همین دلیل موجب می‌شود که هر متکلم بلیغی از عهده ایجاد چنین کلامی بر نیاید. ادبا و متکلمین در مورد عنوان این صنعت، نظرات مختلفی دارند که پرداختن به آن از حوصله این گفتار خارج است.^۲ این صنعت برای نخستین بار در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام متجلی شد. امام علی علیه السلام با مهارت در سخنوری، بدون یادداشت و فی البداهه، با مضامین بسیار بلند، سخنان مهمی ایراد می‌کردند و فقط از حروف بی نقطه بهره می‌بردند، که این خود نشانه عظمت امام در سخنوری می‌باشد.

حاصل تحقیق و بررسی‌های انجام شده این است که دو خطبه بی نقطه، به امام علی علیه السلام منسوب می‌دارند که در نهج البلاغه وجود ندارند، ولی در منابع دیگر ذکر شده‌اند.^۳ زمینه ایراد خطبه اول - که معروف تراست و عبارات آغازین آن بدین شرح است: «الحمد لله اهل الحمد ومأواه وله اوكد الحمد واحلاه...» - مطابق آن چه در روایات متعدد آمده، این‌گونه بوده است: جمعی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در

۱. این جمله از سه حرف «الف، لام، ها» عربی تشکیل شده و صنعت حذف نقطه نیز در آن موجود است.

۲. رک: ناجی نصرآبادی، محسن، «فنی فراموش شده از بلاغت عربی و فارسی»، آینه پژوهش، ۱۹-۱۲/۲۲.

۳. سید رضی در مقدمه کتاب بیان می‌کند: «ادعا نمی‌کنم به همه جوانب سخنان امام به طوری احاطه پیدا کرده‌ام که هیچ‌کدام از سخنان او از دستم نرفته است، بلکه بعید نمی‌دانم که آن چه نیافته‌ام بیش از آن باشد که یافته‌ام، و آن چه در اختیارم قرار گرفته کمتر از آن چه به دستم نیامده باشد.» سید رضی (گرد آورنده)، نهج البلاغه، ص ۲۹.

مکانی جمع می‌شدند و به گفتگوی علمی می‌پرداختند؛ بحث به جایگاه حروف در سخن گفتن می‌رسد و این‌که کدام حرف و یا کدام دسته از حروف نقش بیشتری در کلام دارند، به گونه‌ای که نبود آنها سخن گفتن را مشکل یا مختل می‌گرداند؛ اتفاق نظر می‌شود که حرف «الف» بیشترین نقش را دارد و هم چنین سخن از جایگاه حروف منقوطف به میان می‌آید. امام علیه السلام بی‌درنگ برمی‌خیزند؛ ابتدا خطبه‌ای بدون «الف» و سپس خطبه‌ی معروف «بی‌نقطه» را ایراد می‌فرمایند.^۱ مصادر متعدد مورد اعتماد شیعه مانند: «نهج السعادة، محمودی»؛ «مناقب، ابن شهر آشوب»؛ «الصرط المستقیم، عاملی»؛ «نهج الایمان، ابن جبیر»؛ «بحار الانوار، علامه مجلسی»؛ «منهاج البراعة، خوبی»^۲ و... از این خطبه نام برده‌اند و غالباً بخش آغازین خطبه را ذکر کرده‌اند.

اما خطبه‌ی بی‌نقطه دیگری - که عبارات آغازین آن بدین شرح است: «الحمد لله الملك المحمود، المالک الودود...» - نیز به امام منسوب می‌دانند؛ کمتر منبعی یافت می‌شود که سند این خطبه را اعلام کند؛ فاضل محقق، محمودی در کتاب «نهج السعادة» پس از نقل عبارات آغازین خطبه می‌گوید: «این خطبه، غیر از خطبه‌ای است که آن نیز خالی از نقطه است و متأخران آن را به آن حضرت نسبت داده‌اند...»^۳. متن کامل خطبه در کتاب «سیمای نهج البلاغه» تألیف محمد مهدی علیقلی و «دو شاهکار علوی» تألیف احسانی فرآمده است. از این خطبه به نام خطبه‌ی نکاح نیز یاد می‌کنند و نقل‌های مختلفی بر مناسبت ایراد آن ذکر شده است؛ برخی گفته‌اند که امام در مراسم عقد دو جوان این خطبه را قرائت فرموده‌اند و در آن، جوانان را به وصلت با افراد شایسته و پاکدامن و دوری از افراد عیاش و طمع‌کار سفارش می‌کنند^۴ و بنا بر نقل برخی مورخان، امام علیه السلام زمانی که به خواستگاری

۱. احسانی فر، محمد، دو شاهکار علوی، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۲۰۸.

۳. محمودی، محمد باقر، نهج السعادة، ۱/ ۹۶.

۴. www.ghatreh.com

یکی از همسرانش رفته بود، طبق رسم عرب، که مرد باید ضمن سخنانی که هم معرف شخصیت او باشد و هم از همسرش خواستگاری کند، این سخنان را ایراد کردند؛^۱ اما در برخی منابع از این خطبه به عنوان نسخه دوم خطبه اول یاد می‌کنند.^۲ صنعت نقوط در خطبه امام و به تبع ایشان در «المقامات»^۳ حریری (متوفای ۵۱۶ق) به استواری و پختگی لازم رسیده است؛ به طوری که کتاب مقامات را از نظر بیان صنایع مذکور، کتابی بی‌بدیل می‌دانند. از آن زمان تا به امروز، این صنعت بین ادیبان و سخنوران نیز رواج داشته است؛ هر چند کمتر کسی توانسته آن‌طور که باید، حق مطلب را ادا کند و در حین زیبایی و جذابیت، از فرمایش امیرکلام و هنر، که می‌فرمایند: «زیباترین و بهترین سخن آن است که نظام نیکوآن را آراسته باشد و خواص و عوام مردم آن را بفهمند.»^۴

پیروی کند. کتاب «سواطع الالهام» و کتاب «موارد الکلام» ابوالفیض فیضی (متوفای ۱۰۰۴ق)،^۵ «تفسیر در الاسرار» سید محمود افندی حمزوی (متوفای ۱۳۰۵ق) و کتاب «اسس الاصول»^۶ محمد شریف کرمانی (متوفای ۱۳۵۱ق) به زبان عربی و قصیده بی‌نقطه بدرالدین جاجرمی (متوفای ۶۸۶ق) - که احتمالاً نخستین قصیده بی‌نقطه به زبان فارسی است - از جمله آثاری نظیر در استفاده از صنعت نقوط می‌باشند. رضا قلی‌خان هدایت (متوفای ۱۲۸۸ق) در مدح امام رضا علیه السلام نظم و نثری به زبان فارسی

۱. www.jonbeshnet.ir

۲. قزوینی، محمدکاظم، علی از ولادت تا شهادت، ص ۲۲۰.

۳. این کتاب در ۵۰ مقامه نگاشته شده و مقامه ۲۸ (السمرقندیة) و ۴۶ (الحلبیة) آن بی‌نقطه است.

۴. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، ۲۱۲/۱.

۵. مؤلف در کتاب «سواطع الالهام» آیات قرآن را با کلماتی متشکل از حروف بی‌نقطه تفسیر نموده است و در کتاب «موارد الکلام» به اخلاق پرداخته است.

۶. مؤلف در نگارش این اثر از ۱۳ حرف بی‌نقطه عربی استفاده کرده است و خطبه‌ای به نام «اثنی عشریه» دارد که در آن از حرف الف نیز استفاده نشده و فقط ۱۲ حرف عربی مورد استفاده قرار گرفته است.

دارد و میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله، متخلص به نشاط (متوفای ۱۲۴۴ق) نامه‌ای بدون نقطه به ناصرالدین شاه قاجار نوشته است که در آن از این صنعت استفاده کرده است. میرزا محمدرضا وصاف سامانی بیگدلی از شعرای عصر قاجار و دربار ناصری، در مدح امام علی علیه السلام خطبه بی نقطه بلندی ایراد کرده است.^۱ از معاصرین، رفعت سمنانی خطبه بی نقطه‌ای در ابتدای دیوانش آورده و علامه حسن زاده آملی نیز شعری بدون نقطه در وصف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم سروده است.

معرفی خطبه

گرچه خطبه حاضر با عنوان «خطبه بی نقطه در ستایش پادشاه» فهرست شده است، اما در واقع این خطبه در مدح و ستایش مولای متقیان امام علی علیه السلام نگارش یافته است. این خطبه از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول به نام علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه به خط نستعلیق می‌باشد؛ بخش دوم که عبارات آغازین آن بدین شرح است: «ایضاً مکتوب بی نقطه که جناب صاحبی عموی ام باین حقیر قلمی فرموده‌اند» به خط نسخ کتابت شده است، کاتب هر دو بخش نامشخص و این مکتوب دارای ۶ برگ و مختلف السطور بوده و در کتابخانه و موزه ملی ملک (ش. ۶۰۷۷) نگهداری می‌شود. هر دو بخش این خطبه، ترکیبی از نظم و نثر به زبان فارسی و عربی است که نگارنده در نگارش مطالب منشور، از خطبه بی نقطه امام علیه السلام استفاده وافر برده و طی مطالب منظوم با ظرافتی ویژه، به فضایل اخلاقی، کرامات و علم امام علیه السلام پرداخته است. کلمات آغازین بخش دوم، حاکی از این است که این بخش را عموی اعتضادالسلطنه، برای وی نگاشته است. اعتضادالسلطنه پسر پنجاه و چهارم فتحعلی شاه و نوه شاه قلی خان قوانلو (رئیس ایل اشاقه‌باش) بود؛ فتحعلی شاه که دومین پادشاه دودمان قاجاری است جانشین عموی خود، آقامحمدخان قاجار شد. طبق این اطلاعات از عبارت «عموی» دو برداشت می‌توان داشت: اول آن‌که، منظور آقامحمدخان باشد که بنیانگذار و بزرگ دودمان قاجار و

عمومی پدر اعتضاد السلطنه است، دوم آن که، منظور عمومی اعتضاد السلطنه باشد که برادر فتحعلی شاه و فرزند دیگر شاه قلی خان بوده که متأسفانه از دیگر فرزندان وی اطلاعاتی در دست نیست و در منابع موجود نام و نشانی از آنان یافت نشد.

روش تصحیح

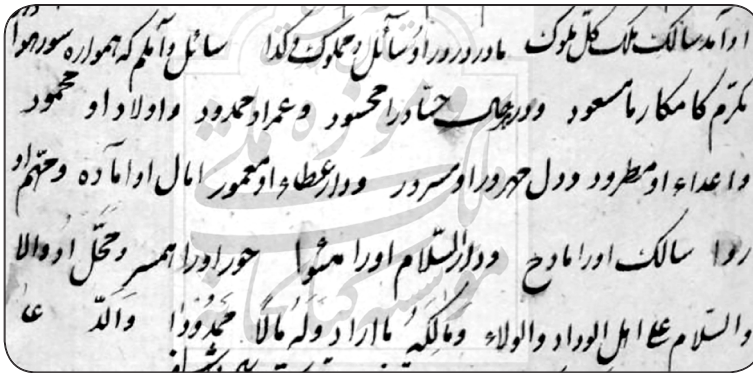
بسیاری از عبارات و ابیات به کار رفته، اقتباس یا استفاده مستقیم از آیات، احادیث و فرازهای خطبه مربوط به امام است؛ در روند تصحیح سعی شده است که توضیحات مناسب به هر کدام در پاورقی ذکر شود که در این ناحیه از دو خطبه امام با نام خطبه های اول و دوم (عطف به توضیحات فوق) یاد شده و عبارات اقتباس شده از خطبه، در گیومه آمده است. هم چنین برخی کلمات به کار رفته، که دو وجهی هستند، اعراب گذاری شده و معادل برخی کلمات نامانوس آمده است.

تصویر آغاز خطبه

خطبه بی نقطه که در مدح نیشابور
جمع کلین و ثناء نواب علی نقی میرزا صاحب اختیار دار الملک قزوین
الواله

هو الله ولا اله الا هو محمد مردگار واحد ملک محمود و داور
مورد در که لاله کرده ما سماء را و تصور کرده در زخم کل
مولود را راه داده هر موصد کامل آله را ورد کرده هر طرد

تصویر پایان نسخه



آغاز خطبه

خطبه بی نقطه که در مدح شاهنشاه، جم نگین و ثناء نواب علینقی میرزا صاحب اختیار دارالملک قزوین انشاء کرده.

هو الله و لا سواه الا هو، حمد مرکردگار واحد ملک محمود و داور و دود را که ارسال کرده ماء سماء را و مصور کرده در رجم، کُل مولود را، راه داده هر موحد کامل آگاه را، و رد کرده هر ملحد طالح مردود را، هموار کرده صحراها را، و آرام داده کوهها را و سهل کرده مرادها را و آگاه آمده سرها را، و ادراک کرده همه را، معدوم کرده اعداء الله را و هلاک کرده همه را، عموم دارد کرم او و کامل آمده عطاء او، «عَمَّ سَمَاحُهُ وَ كَمَلَّ وَ هَمَلَّ رِکَامُهُ»،^۱ حمد کردم او را حمد طول دار دائم، و مدلل کردم که او واحد احد آمد، «أَحْمَدُهُ حَمْدًا مَمْدُودًا مَدَاءً وَأَوْجَدُهُ كَمَا وَحَدَّهُ الْأَوَاءُ وَ هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^۲ و ارسال کرد «محمد صل الله له و آله را صدر رسل و رسول مرسل کل اسلام»،^۳ و اسم الله له سلام الله را امام همام کرام و السلام و رجم اولاده الکرام.

۱. اقتباس از دومین فراز خطبه دوم امام.

۲. اقتباس از سومین فراز خطبه دوم امام.

۳. اقتباس از چهارمین فراز خطبه دوم امام.

- همدم احمد محمود که آرم هرگاه
 آگه و محرم اسرارِ اله واحد
 سالک مسلک عدل، آگه اطوارِ شلوک
 مهراور در همه سر داده مدارک را راه
 حمله او همه در معرکه‌ها صلح و صلاح
 در سماء هم هوس آورده سمّ در او^۱
 گوهر احمد و او هر که دو در و هم آرد
 دل اعداء همه در هم، که مرا و را داده
 هر که را کرده اله اَحد و احمد مدح
 مدح آوردم و دارم هوس دار سلام
 سالکا در همه حال ار همه در درد و ملال
 مدد دهد همه کس را کردگار واحد احد دادار در صلاح عمل، و راه رود همه کس
 راه حلال را و واهلد راه حرام را، و مسموع دارد همه کس امر کردگار داور دادار و حکم
 رسول صل الله له و آله الاطهار را، و معمول دارد همه کس ورع و عکس هوس ها را، و
 واهلد هواها را، و دور دارد لهو و طمع ها را، «أَسْمَعُوا أَمْرَ اللَّهِ وَأَمْرَ الرَّسُولِ وَأَلِهِ سَلَامِ اللَّهِ
 لَهُمْ، وَ عَاصُوا الْاَهْوَاءَ وَ ارْتَدَّوْهَا وَ صَارَ مَوَ رَهْطَ الْاَلْهَوِ وَ الطَّمَعِ»^۲ سؤال^۳ مر کردگار واحد
 را که محمود دهد همه ما را در اصلاح احوال و اعمال و مُلَهُمْ دارد در امور معاد،
 «أَسْئَلُ اللَّهَ اِحْمَادَ اِصْلَاحِ حَالِيهِ وَ عَمَلِيهِ وَ اَلْهَمَّ كَلَّالًا لِمَعَادِهِ»^۴. مأمولم که دارالسلام
-
۱. در هفتمین فراز خطبه اول، امام می فرماید: «اسعد الله الامه لعلو محلله و سمو سودده و سداد
 أمره...»
 ۲. در فراز چهارم خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه امام می فرماید: «ای مردم پیش از آن که مرا نیابید، آن چه
 می خواهید از من بپرسید، که من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می شناسم.»
 ۳. فراز پنجم و ششم خطبه اول امام.
 ۴. درخواست، تقاضا.
 ۵. اقتباس از فراز سیزدهم و چهاردهم خطبه اول.

همه را مأوا و حور همسر گردد، «وَلَهُ الْحَمْدُ وَالسَّرْمَدُ وَالْمَدْحُ لِرَسُولِهِ أَحْمَد»^۱ و صهره و آله الاطهار را. که در عهد مالک الملکِ مَلِکِ الملوکِ مَلِکِ مَلِکِ مملوک مالک ممالک اسلام، دادار ملوک و حکام عادل مُلک آراء، راجم دارا راء،^۲ سرور دادگر کامکار، آمر اوامر کردگار، مهر گزیم، عطارد هِمَم، رامح زُمح، هلال عَلَم، ماه حُلل، سماک محلل، دام اسمُه و عَمَ رسْمُه کرک و حمل همسرو کرکس و صلصل همسرود آمده عدل او همه مُلک را معمور، و کرم او همه مُردم را در مهد سُور آرام و مسرور دارد، و حمدلله که عطاء کردگار دادار و گزیم مَلِک الملوک کامکار، ما را ملک مکزیم دادگرو سرور کامل مهرور عطاء کرده، که هم اسم امام دَهَم، و اعدل کُل عدول ملوک عصر و مردم آمده، دام عُمُرُه و کَرْمُه و عَطَائُه، حلم او کوه کردار و عطاء او دَم روح الله را اسرار که هر مرده ای را مهر او روح داده.

و دم آمد دل ما کامروا در هوس ما دادِ دل ما داد مگر دادرس ما
 آملم که هر مُلک را که طمع آورد مالک گردد، و گرد آورد همه ممالک را و هر مدعا که هوس کرد کامروا گردد و مدد دهد او را در هر کار، کردگار و الهام دارد او را در صلاح احوال همه مُردم که مورد محامد و مکارم و دعای همه کس گردد، اکمل همه مُلوک و حکام آمده در دو سراء مکزیم در معاد او را دارالسلام مأوا و حور همسر و همواره در دهر اساس او محکم و عمر او ممدود و طالع او مسعود و اولاد او محمود و هوادار او مسرور و اعداء او هلاک و معدوم و حسدکار او مردود گردد.

ایضاً مکتوب بی نقطه که جناب صاحبی عموی ام باین حقیر قلمی فرموده اند.^۳
 هُوَ اللهُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَالسَّرْمَدُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْوَدُودِ الْعَلَّامِ، وَ مَوْرِدِ الْأُمُورِ وَ مُكْوَرِ الدُّهُورِ وَ الْأَعْوَامِ، وَ مُدْمِرِ الْمُلُوكِ وَ الْحُكَّامِ وَ صَلَّى اللَّهُ

۱. فراز دهم خطبه دوم امام.

۲. ناظر، بیننده.

۳. در این بخش دومین خطبه بی نقطه نسخه آغاز می شود.

عَلَى مَحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ الْكِرَامِ، اسْمَعُوا أَمْرَ اللَّهِ وَاعْمَلُوا وَأَطَاعُوا أَصْلَحَ الْأَعْمَالِ وَ
 صَلُّوا الْأَرْحَامَ وَزَاعُواهَا وَعَاصُوا الْأَهْوَاءَ، وَارْدَعُواهَا وَصَارُمُوا زَهْطَ اللَّهْوِ وَالظَّمْعَ وَسَوْءَ
 الْأَعْمَالِ وَاسْلَكُوا مَسَالِكَ الْحَلَالِ وَاطْرَحُوا الْحَرَامَ وَرَحِمَ اللَّهُ لَكَ وَأَهْلَ الْإِسْلَامِ.
 رُوحَ وَعُمَرَ كَامِكَارٍ مُكْرَمٍ كَرَامَ طَوْلِ اللَّهِ عُمْرَهُ وَدَامَ عَطَائُهُ رَادَعًا وَسَلَامًا وَمَعْلُومَ غَرْدِ
 كِه هَمَوَارِهِ دَعَاغُوسُگِ دَرگَاهِ سِرِّآلِهِ اسدِ اللَّهِ سَالِكِ مَسَالِكِ رِسْمِ وَرَاهِ، هِمِ اسْمِ رِسُولِ
 مَرِسْلِ وَآمَامِ الْاَوَّلِ دَرِ هِمِهِ سَالِ وَمَاهِ دَرِ دَرگَاهِ آلِهِ مَأْمُولِ كِه عَمْرِهِ اَوَادَارِ رَا مَطْوُولِ وَ
 مَرَادِ مَهْرُورِ مَا حَاصِلِ كِه مَرُورِ مَحَامِدِ وَمَكَارِمِ كَرْدگَارِ عَالِمِ وَمَسْرُورِ مَرَا حِمِ دَادَارِ
 اَكْرَمِ گَرْدِدِ، كَامِ اَوِ رَوَا گَرْدِدِ، عَمْرِ اَوِ رَسِدِ دَرِ صِدِّ، دَرِ حَرَمِ رُودِ اَوِ رَا صِدِّ عَرُوسِ حُورِ
 آسَاءِ، وَهَرِ عَرُوسِ مَكْرَبْرًا اَوْلَادِ مَرُوعِ اَوْرِدِه وَهَرِ دَلدَارِ رَا اَوْلَادِ دَگَرِ، كِه هِمِهِ مَحْمُودِ وَ
 عَالِمِ وَصَالِحِ وَسَالِكِ رَاهِ هِدِي وَمَسْمُوعِ اَمْرِ كَرْدگَارِ وَاَكْمَلِ هِمُهُ مَرْدِمِ وَدَرِ مَعَادِ،
 مَرْحُومِ عَطَاءِ دَاوَرِ عَادِلِ دَادَارِ آمَدِه، حُورِ رَا هِمَسْرُورِ دَرِ دَارِ السَّلَامِ مَأْوَا كَرْدِه، اَسْتَلَّ اللَّهُ
 لَكَ اِحْمَادًا وَصَالِحِيهِمْ وَدَوَامَ اَوْلَادِيهِمْ وَاسْعَادِيهِمْ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كِه كَرْدگَارِ اَحَدِ سَهِ اَوْلَادِ
 صَالِحِ رُوحِ وَعَمْرِ كَامِكَارِ مَا رَا كَرِمِ وَعَطَاءِ كَرْدِه كِه وِلْدِ اَوَّلِ رَا اسْمِ اِمَامِ اَوَّلِ وَوِلْدِ دُومِ
 هِمِ اسْمِ وَاَلِدِ اِمَامِ دَهْمِ وَوِلْدِ سُوْمِ هِمِ اسْمِ سَالِكِ مَادِحِ دَعَاغُو آمَدِه. طَوْلِ اللَّهِ عُمْرَهُمْ
 وَاسْعَدَ اللَّهُ اَحْوَالَهُمْ وَاعْمَالَهُمْ وَرَحِمَ اللَّهُ لَهُمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ كِه دَرِ هِمِهِ حَالِ مَرَادِ وَاَصْلِ
 وَمَرَامِ حَاصِلِ.

و دم آمد دل ما کامروا در هوس ما داد دل ما داد مگر دادرس ما

سالها آمد که مهر مهرور ما، ما را در دل و هوای هوادار ما، ما را در سر و هرگاه عمر
 کامل گردد و صورت دمد مهر او صد علاوه گردد و مطلع گردد که حال اول سال و مهر
 عالم آرا را دار حَمَلِ و حکم کردگار احد، امام اول سِرِّآلِهِ مَوْلُودِ حَرَمِ اِلَهِ، مَحُورِ مَنَادِ مَهْرِ
 و ماه، اسدِ اللَّهِ سَمَاءِ دَرگَاهِ رَا، حَاكِمِ اِحْكَامِ مَحْكَمِهِ اِسْلَامِ وَ سَرُورِ كَلِّ مَلَلِ كَرْدِه، وَ
 اَمْرِ دَادَارِ صَمْدِ اَوِ رَا دَرِ اَرَامگَاهِ صِدْرِ رُئِيسِ رِسُولِ مَرِسْلِ كَلِ، اِحْمَدِ مَحْمُودِ مَأْوَا دَادِه،
 سَلَامُ اللَّهِ لَهُمَا وَآلِهِ الْأَطْهَارِ.

مهر در دار حَمَل^۱ آمده در اول سال
 آمده سرو دل آرا و در آوا صلصل
 همه کس را دل مکدوح مکدر مسرور
 که محل کرده در آرامگه صدر رسل^۲
 صهر احمد، اسدالله ملائک مملوک
 محرم سَرّاله و ولد عمّ رسول
 همدل صدر رسل، سَرّاله واحد
 مالک عرصه اسلام و مدار ادوار
 سَرّادار صمد حاکم احکام حرام
 آمده همسرو داماد رسول مرسل
 حاکم محکمه عدل و امام دوسرا
 مهر او آمده در سر همه را مهراله
 سهم او در همه معرکه ها عادم عمر
 دم او روح مکرم دل او مصدر علم
 سرور اهل مکارم ملک کل ملوک

کوه و صحرا همه را لاله و گل ملامال
 آمده روح - دِه کل مروّج سلسال
 همه را کام امل حاصل و واصل آمال^۳
 ملک مهر لخوا، داور صمصام هلال
 سرور اعدل اعلم، مه معدوم همال
 داور عصر و امام امم و والد آل
 دار حلم و ملک دهر و در علم و کمال^۴
 همدم احمد محمود، وعاء آمال
 ملک کل ملل آمر اسرار حلال
 همسرو همزه او در همه حال محال^۵
 سالک راه هدی و ملک مهر وصال
 مدح او آمده در دل همه را سحر حلال
 کرم او همه در وعده حصول آمال
 اصل او اصل کرم مسلک او حل سؤال^۶
 در همه ملک و ملک آمده او را اهلال

۱. «دار حمل» اشاره به اولین ماه از برج های فلکی دارد که معادل فروردین ماه در گاه - شمار شمسی است.
۲. آیه ۹ سوره حشر که در باب کرامت و گذشت امام عَلَيْهِ السَّلَام، بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد و این مصرع نیز اشاره به همین فضیلت اخلاقی امام دارد.
۳. اشاره به آیه ۲۰۷ سوره بقره که در شأن امام نازل شد و به آیه «ليلة المبيت» معروف است.
۴. اشاره به حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا...».
۵. آیه مباحله به ضمیمه آیات قبل و بعد از آن، اشاره به واقعه مباحله و همراهی امام با پیامبر در همه حال و مکان دارد.
۶. آیه ۵۵ سوره مائده که در فضیلت امام و فضل و کرم او نازل شد؛ هر چند درباره شأن نزول این

داده دادار احد در همه سرره او را
 گرد درگاه ورا کرده إله واحد
 حمد لله که او را همه دم مدّاحم
 مهر او را احد داور دادار صمد
 سالکا مهرور و مادح او کرد مدام
 الحمد لله علی کل حال که اهمّ حصول وصول و دل همه مملوّ مهر او و در ولاء او و
 اولاد او کامروا آمد؛ حمد مرکزدار عالم را، که مهر او را در دل مآوا کرده، و محال آمد
 که در دو سراء محو گردد. اوصل الله له الإکرام و اودع روحه السّلام و رجم آله الکرام.

مهر اسدالله امام دو سرا او آمد سالک ملک کل ملوک
 در دار دلّم کرده محل و مآوا ما در درود او سائل و مملوک و گدا
 سائل و آلمم که همواره سور هوادار مکرم کامکار ما مسعود و در هر حال حساد را
 محسود و عمر او ممدود و اولاد او محمود و اعداء او مطرود و دل مهرور او مسرور و دار
 عطاء او معمور آمال او آماده و مهم او روا سالک او را مادح و دارالسلام او را مآوا، حور
 او را همسر و محل او والا و السّلام علی اهل الورا و الولا و مالیکه ما اراد و له مالاً
 ممدوداً و الدّ دعا.

آیه صورت‌های مختلفی بیان کرده‌اند، ولی همه روایات دارای یک مضمون هستند و مفسرین اتفاق نظر دارند که این آیه در شأن امام - بعد از خاتم‌بخشی به فقیر - نازل شده است.

۱. اشاره به فضل خداوند نسبت به امام و حسادت و آزدگی دشمنان آن حضرت دارد. برخی امتیازات و موهبت‌هایی که خداوند برای امیرمؤمنان لحاظ می‌کرد گاهی باعث می‌شد افرادی از نظر روحی، عقده‌حقرت پیدا کنند و به امام حسادت و اعتراض کنند؛ از جمله موارد آشکاری که خداوند آن را خاصه امام علی علیه السلام قرار دادند و دیگران زبان به اعتراض و شکایت گشودند، «حدیث سد الابواب»، «حدیث طیر مشوی»، «حدیث منزلت» و ... را می‌توان نام برد.

۲. در «آیه مودت» خداوند به دوستی و محبت اهل بیت امر، و به پیامبر فرموده: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...»؛ «قربی» به معنی نزدیکی در نسب و خویشاوندی رحمی است و امیرالمؤمنین علیه السلام اصل ذوی القربی است.

کتاب

قرآن کریم

آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم: دار الکتب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.

احسانی فرلنگرودی، محمد، دو شاهکار علوی، ائمه علیهم السلام، قم، ۱۳۸۲.

سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.

علامه حلّی، حسن بن یوسف، کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد، کتابفروشی اسلامیّه، تهران، ۱۳۵۱.

علیقلی، محمد مهدی، سیمای نهج البلاغه، نشر تاریخ و فرهنگ، تهران، ۱۳۷۹.

قزوینی، محمد کاظم، علی از ولادت تا شهادت، ترجمه علی کاظمی، چاپخانه علمیه، قم، ۱۳۹۷ ق.

محمودی، محمد باقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۷۷ ق.

مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، صدرا، تهران، ۱۳۶۷.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸.

مجلات

ناجی نصرآبادی، محسن، «فنی فراموش شده از بلاغت عربی و فارسی»، آینه پژوهش، ش ۲۲.

منابع الکترونیکی

www.ghatareh.com

www.jonbeshnet.ir

sabahibidgoly.blogfa.com

قراءة في إحدى خطب مولى المتقين الإمام علي عليه السلام

طيبه حاج باقریان^١

٢٢٥

الخلاصة:

إن صنعة النقطة وظهورها من الفنون البلاغية التي حدثت في القرون الأولى من بزوغ نجم الإسلام، وقد تجلت هذه الصنعة لأول مرة في كلام أمير المؤمنين علي عليه السلام؛ فقد كان عليه السلام يلقي خطباً في البداهة وارتجالاً لم يستخدم فيها الحروف المنقوطة. وهذه الصنعة التي تعد من أصعب وأجمل الصنائع البلاغية تشاهد في تراث العرب والعجم.

تروم هذه المقالة إلى تعريف وتحقيق الخطبة غير المنقوطة من كلام أمير المؤمنين عليه السلام التي أوردها علي قلي ميرزا اعتضاد السلطنة (من أحفاد الملوك القاجارية). فإن المؤلف أورد في شرح هذه الخطبة جملة من فضائل ومعاجز الإمام علي عليه السلام نظماً ونثراً، وقد استفاد في ذلك من خطبتي الإمام علي عليه السلام غير المنقوطة وأشار إلى الآيات والروايات التي اقتبس منها في الخطبة في الهامش.

المفردات الرئيسية: علي بن أبي طالب عليه السلام؛ الخطبة غير المنقوطة؛ علي قلي ميرزا اعتضاد السلطنة؛ الصنائع الأدبية؛ المخطوطات.

١. ماجستير البيولوجرافيا والإعلام. hajbaqeriyani@yahoo.com

tions, the corrector decodes the verses and traditions, and adds some extra explanations for each one in the footnote.

Keywords: Ali bin Abitālib (A.S.), a sermon without dot, Ali Qoli Mīrzā l'tizād os-Saltana, figure of speech, manuscripts.

Reviewing a Sermon Delivered on the Praise of Commander of the Faithful Imam Ali (A.S.)

By: Taiebe Hājbaqeriyān¹

Abstract

Noqūt is a rhetorical figure which has been around since the first centuries of the advent of Islam. This figure of speech was first introduced in the words of the Commander of the faithful Imam Ali (A.S.). He improvised some sentences whose letters had no dot. This figure is considered to be one of the most difficult and beautiful rhetorical figure, and it can be seen in Arabic and Persian works. The following article is going to introduce and correct a sermon which is on the praise of Commander of the Faithful (A.S.), and its letters have no dot. This sermon was delivered by Ali Qoli Mīrzā l'tizād os-Saltana (One of the Qajar princes). The writer of the sermon has talked of Imam Ali's virtues and miracles in both prose and poetry, and meanwhile made use of two sermons whose letters have no dot and are attributed to Imam Ali (A.S.). After rereading this sermon and pointing out its references to Imam's sermons and its adapta-

1. An MA graduate student in Library and Information Science.
hajbaqeriyān@yahoo.com